

پیام به سیروس

ز راه کرم ای نسیم سحرگاه
سوی پارساگرد و بگلر از این راه
به سیروس از ما بگو کای شهنشاه ،

چرا گشتی از حال این ملک غافل؟

تو بودی که لشکر به قفقاز راندی
ز ارمینیه تا به اهواز راندی
ز شط العرب تا به شیراز راندی

خراسان وری وصل کردی به بابل

دریغسا که اقلیم سیروس و دارا
فتاده است در بحر غم آشکارا
تو ای ناخدا ، همتی کن خدارا

مگر گشتی ما برده ره به ساحل

چو ویرانه شد ملک کی ، کشور جم
ز علم و هنر باید افراشت برجسم
ز همت کمر ساخت ، از عدل خاتم

ز تقوی کلاه ، و ز دانش حمایل^(۱)

۱ - نقلا عن از صبا تانینما ، ج ۲ ، ص ۱۴۶ ، و سیروس هو کورش
مؤسس الامبراطورية الكيانية التي حكمت ايران والعالم قبل ظهور الاسكندر
الاکبر .